

رویکرد مورخین دوره صفوی درباره آخرین حاکم کیایی گیلان

قربانعلی کنارودی*، سهیلا نعیمی

استادیار گروه تاریخ، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران؛ دکترای تاریخ ایران اسلامی، پژوهشگر تاریخ

تاریخ دریافت: (۱۳۹۷/۰۲/۰۸) تاریخ پذیرش: (۱۳۹۷/۰۷/۰۲)

Disagreement of some Safavid Historians about the Character of the last GilaniKia'i Ruler

Ghorbanali Kenaroudi, Soheyla Naimi

Assistant Professor of History Department, National Library and Archive of Iran;

Ph.D of History, Researcher of History

Received: (2018/04/28)

Accepted: (2018/09/29)

Abstract

Khan Ahmad Gilani Khan (1538-1592) is the last ruler of Al-Kia in Gilan who was overthrown by Shah Abbas I in 1592 A.D for political, economic and religious reasons. The encounter of Safavid historians with the government of Al-Kia can be examined in three steps: at the first, they speak of Al-Kia respectfully due to refuge of Mirza Ismail to Gilan. In the second step that was coincident with the reign of Shah Tahmasp, historians gradually left behind the Al-Kia government as a result of some disputations between Tahmasp and Khan Ahmad and finally his imprisonment. And the third step was the time of Shah Abbas government and the overthrown of Al-Kia. Historical sources of this era tried to introduce Khan Ahmad as a guilty person in favour of Shah Abbas action and to support of Safavid dynasty. The present research intends to investigate the reasons of difference viewpoints in historical sources from Safavid era about the Character of Khan Ahmad Gilani Khan.

Keywords: Safavid, Al-Kia, Safavid Historiography, Shah Abbas, Khan Ahmad Gilani Khan.

چکیده

خان احمدخان گیلانی (۹۴۳-۱۰۰۰ق) آخرین حاکم حکومت آل کیا در گیلان است که در سال ۱۰۰۰ق بنا به دلایل سیاسی، اقتصادی و مذهبی به وسیله شاه عباس یکم ساقط شد. برخورد مورخان عصر صفوی با حکومت آل کیا در سه مقطع قابل بررسی است: در مقطع اول به پاس پناهنده شدن اسماعیل میرزا به گیلان، با احترام از آل کیا یاد می‌کنند؛ در مقطع دوم که مصادف با حکومت شاه طهماسب بود، به دلیل بروز برخی اختلافات بین طهماسب و خان احمدخان که به دستگیری و زندانی شدن وی منجر شد، مورخان رفته رفته در نوشته‌های خود دست از حمایت حکومت کیایی کشیدند؛ مقطع سوم با حکومت شاه عباس و برچیده شدن حکومت کیایی هم‌زمان بود. این پژوهش بر آن است تا با بررسی متون تاریخی عصر صفوی، ضمن تجزیه و تحلیل و بیان صحت و سقم گزارش‌های آنها به این پرسش پاسخ دهد که علت دیدگاه‌های متفاوت منابع تاریخی صفوی درباره شخصیت خان احمدخان گیلانی چه بوده است؟ منابع تاریخی این عصر با نگاهی جانبدارانه به حکومت صفوی، تلاش دارند با حمایت از اقدام شاه عباس در حمله به گیلان، خان احمدخان را مقصر اصلی این اقدام جلوه دهند.

کلیدواژه‌ها: صفویه، آل کیا، تاریخ‌نگاری صفوی، شاه عباس،

خان احمدخان.

۱. مقدمه

با استناد به منابع تاریخی و نامه‌ها و اشعاری که از خان احمدخان بر جای مانده می‌توان دریافت که وی نه تنها فردی سیاستمدار بلکه، فردی ادیب و فرهنگ‌دوست نیز بود که در دوران حکومتش در گیلان توانست با برخی از اقدامات سیاسی اقتصادی و فرهنگی، حکومتی توأم با آرامش ایجاد کند. دربار او مأمّن شاعران، نوازندگان و صنعتگرانی بود که گاه از خارج از ایران بدان روی می‌آوردند.

وی معاصر با شاه طهماسب اول (۹۳۰-۹۸۴ق)، شاه اسماعیل دوم (۹۸۴-۹۸۵ق)، شاه محمد خدابنده (۹۸۵-۹۹۵ق) و شاه عباس اول (۹۹۶-۱۰۳۸ق) بود.

در سال ۹۷۵ق در زمان حکومت شاه طهماسب به دنبال مخالفت‌های امیره ساسان، حاکم گسگر، دستگیر و راهی زندان شد. با مرگ طهماسب اول در ۹۸۴ق از زندان رهایی یافت و حکومتش با ازدواج

با دختر شاه طهماسب بر شرق گیلان تثبیت شد. در زمان حکومت شاه عباس اول وی همچنان حاکم مستقل مناطق تحت سلطه خود بود تا سرانجام با

قصد شاه عباس اول مبنی خالصه کردن گیلان و تسلط بر تولیدات ابریشم آن، از رودسر با کشتی به شروان و از آنجا به استانبول رفت و به دربار سلطان

مرادخان سوم پناه برد تا به واسطه شفاعت او، حکومت از دست رفته را بازیابد. اما تلاش وی،

نامه‌نگاری‌های سلطان عثمانی به شاه صفوی مبنی بر عفو وی و نامه‌های شاه عباس در مورد بازگرداندن وی به ایران سودی نبخشید. خان احمدخان در مدت

اقامت خود در بغداد با ساخت کاروانسراها و حمام‌ها و مدارس، یادگارهای زیادی از خود بر جای گذاشت. در سال ۱۰۰۵ق درگذشت و در نجف

اشرف به خاک سپرده شد.

حمله شاه عباس به گیلان و فرار خان احمدخان از سرزمین آباء و اجدادی خود، علل چندی دارد ولی موضوع پژوهش حاضر بررسی این علل نیست. پژوهشگر امروز با اتکاء به منابع تاریخی برای پاسخگویی به این مسئله با روایات متفاوتی در منابع روبه‌رو است. روایات تاریخی در این خصوص مطالعات تاریخی را با دو پرسش اساسی روبه‌رو می‌کند: ۱. چرا مورخان دوره صفویه در نوشته‌های خود قضاوت‌های متفاوتی در مورد شخصیت خان احمدخان داشتند؟ ۲. به چه علت نظر مورخان این دوره در مورد حمله شاه عباس به گیلان یکسان نیست؟

آنچه برای پژوهش حاضر پرسشی محوری محسوب می‌شود این است که چرا منابع تاریخی دوره صفویه، درباره خان احمدخان دیدگاه‌های متفاوتی ارائه کردند؟

فرضیه‌ای که بر این اساس می‌توان مطرح کرد این است که در طول تاریخ وقایع‌نگاران، مورخان و نویسندگان با شرایط فکری، سیاسی و حتی جغرافیایی زمان خود به نگارش آثارشان پرداخته‌اند؛ لذا نویسندگان دوره صفوی یا نخواستند یا نتوانسته‌اند از قیود فکری و سیاسی جامعه خود را برهانند.

با توجه به موضوع مورد پژوهش، روش مطالعه روش تاریخی، مبتنی بر اسناد تاریخی و منابع کتابخانه‌ای و برخی نامه‌ها است. در انتخاب متون تاریخی در نوشتار حاضر به چند نکته توجه شده است: متون موافق و مخالف در مورد شخصیت خان احمدخان، محلی و یا غیرمحلی بودن نویسندگان و همچنین متون شیعی و سنی.

۲. پیشینه تحقیق

می توان متذکر شد. در کنار این تألیفات، مقالاتی نیز در مورد این خاندان به رشته تحریر درآمده است که از آن جمله باید به مقالاتی همچون «سیاست آل کیا در برابر آق قویونلوها، درآمدی بر تشکیل حکومت صفوی» (عادل، ۱۳۸۶)، «پیامدهای سیاست شاه عباس در براندازی حکومت شیعی آل کیا» (رازنهان - نعیمی، ۱۳۹۴)، «آل کیا و علل سقوط آن» (نعیمی، ۱۳۸۹) همچنین مقاله ای دیگر تحت عنوان «علل تداوم حکومت سادات آل کیا در گیلان» (کنارودی - نعیمی، ۱۳۹۰) و «تحلیل تاریخی حذف حکومت سادات کیایی توسط صفویان» (اللهیاری، ۱۳۹۶) اشاره کرد. آنچه نویسنده این تحقیق را بر آن داشت که به این موضوع بپردازد عدم پژوهشی مستقل درباره خان احمدخان در منابع تاریخی عصر صفوی است. بنابراین این مقاله در پی آن است که با بررسی منابع تاریخی عصر صفوی رویکرد آنان را درباره خان احمدخان گیلانی بازشناسد.

۳. خان احمدخان در نگاه منابع عصر صفوی

به طور کلی منابعی که به بررسی سقوط آل کیا و شخصیت خان احمدخان پرداخته اند را می توان به دو دسته تقسیم کرد: نخست منابعی که در اواخر حکومت آل کیا نوشته شده و دیگر، منابعی که در اواسط حکومت صفویه نوشته شده است. این دسته از منابع نظر مشترکی در مورد خان احمدخان و علت فرارش از گیلان ارائه نداده اند.

در ابتدا باید یادآور شد روابط آل کیا با حکومت صفویه از شروع حکومت صفویه تا زمان شاه عباس اول، یعنی زمان فروپاشی حکومت خان احمدخان را می توان به سه دوره تقسیم کرد:

دوره اول از زمان فرمانروایی شاه اسماعیل تا

در مورد تاریخ نگاری دوره صفوی در سال های اخیر پژوهش های چندی به انجام رسیده است. در این آثار به صورت مستقل به ویژگی های تاریخ نگاری عصر صفوی و در برخی از آنها به صورت پراکنده و گذرا به تاریخ های محلی گیلان توجه شده است. از جمله این آثار می توان به کتاب *ارزنده ندریشه تاریخ نگاری عصر صفوی* (آرام، ۱۳۸۶)، *تاریخ نگاری عصر صفویه و شناخت منابع و مآخذ* (ثواقب، ۱۳۸۰)، *تاریخ نویسی در روزگار فرمانروایی شاه عباس صفوی* (کوبین، ۱۳۸۷) و *تاریخ نگاری و تحولات آن در ایران و جهان* (میرجعفری - عاشوری، ۱۳۹۰) اشاره کرد. در کنار این آثار مقالاتی نیز درباره تاریخ های محلی گیلان نوشته شده است، از جمله «روش و بینش تاریخ نگاری اسکندربیک منشی در *عالم آرای عباسی* با تکیه بر وقایع گیلان» (شورمبج، ۱۳۹۰)، «نقد و ارزیابی تاریخ نگاری اسکندربیک منشی در *عالم آرای عباسی*» (واعظ شهرستانی، ۱۳۸۲)، «تاریخ نگاری محلی حوزه دریای خزر» (پناهی، ۱۳۹۱)، «منبع شناسی پژوهش تاریخ آل کیا در گیلان» (معتدلنگرودی - بایرام، ۱۳۹۵)، «اخبار گیلان در کتاب *تاریخ عباسی* یا *روزنامه ملاجلال*» (شایسته، ۱۳۸۰) و «گیلان در منابع عصر صفوی» (شایسته، ۱۳۹۰) از جمله آنها است. قدیمی ترین تحقیق درباره حکومت آل کیا کتاب *فرمانروایان گیلان* (رابینو، ۱۳۶۹) است. خوشبختانه در سال های اخیر، پژوهشگران آثار و تألیفات مستقلی را در مورد این خاندان انجام داده اند که حاصل آن کتاب ها و تحقیقاتی مانند کارکرد اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کیاییان در گیلان. با نگرشی بر روابط آنها با حکومت های محلی و صفویه (پناهی، ۱۳۹۳) و همچنین کتاب *حکومت سادات آل کیا در گیلان* (کنارودی - نعیمی، ۱۳۹۲) را

سپاهی‌گری خبری نبوده و همیشه به مصاحبت مطربان و مغنیان و بازیگران و مسخره‌ها اوقاتش صرف شده و مملکت موروثی خود را بی‌آنکه تیری به جانب خصم اندازد، جمیع گوینده و سازنده و بازیگران و مسخره‌ها به استقبال او رفته... (تنوی، ۱۳۸۲: ۸ / ۵۸۳۸)

خان احمد در این زمان سی و یک سال داشت (رازی، ۱۳۴۰: ۳ / ۱۴۰). آغاز اختلاف جدی بین دو حکومت صفویه و آل کیا از این زمان آغاز شد (کنارودی - نعیمی، ۱۳۹۲: ۱۳۱). در مورد مدت اسارت خان احمد در زندان و زمان آزادی او اختلاف‌نظرهایی در منابع دیده می‌شود. وی پس از آزادی با دختر شاه طهماسب ازدواج کرد و از منسوبین خاندان صفویه شد (فومنی، ۱۳۵۳: ۶۴).

در بین منابع عصر صفوی تاریخ الفی تنها منبعی است که اشاره می‌کند مردم بعد از دستگیری خان احمدخان، نه به میل باطن، بلکه به دلیل ترس از سرپیچی دستور شاه طهماسب، به استقبال او رفته‌اند (تنوی، ۱۳۸۲: ۸ / ۵۸۳۸). این اثر نوشته قاضی احمد تنوی و آصف خان قزوینی است که وقایع تاریخی را از سال ۸۵۰ق تا زمان حیات مؤلفان، گزارش کرده است. تاریخ الفی در سال ۹۹۳ق به فرمان جلال‌الدین محمداکبر شاه (۹۶۳-۱۰۱۴ق)، از سلاطین گورکانی هند، نوشته شد و آن را جزء تاریخ سلسله‌ای (دودمانی) باید دانست. نظر به این که این کتاب در دربار گورکانیان هند نوشته شده است،

شروع حکومت شاه طهماسب را شامل می‌شود (۹۰۷-۹۳۰ق). در این دوره به پاس محبت‌های آل کیا به صفویه در جریان پناهنده شدن اسماعیل میرزا به گیلان پیش از سلطنت (۹۰۰-۹۰۵ق) (خواندمیر، ۱۳۵۳: ۴ / ۴۴۷)، حکومت آل کیا مورد حمایت شاه اسماعیل قرار داشت. ارادت به خاندان کیایی در منابع دوره صفویه حتی پس از مرگ کارکیا میرزاعلی (حک ۸۳۳-۹۱۰ق)، ششمین حاکم کیایی که شاه اسماعیل اول به او پناهنده شده بود نیز ادامه یافت.

دوره دوم دوره حکومت شاه طهماسب اول است که این دوره را می‌توان شروع وابستگی فکری آل کیا به صفویه دانست. هر چند حکام آل کیا سعی نمودند با تغییر گرایش دینی خود از شیعه زیدی به شیعه دوازده امامی خود را تابع صفوی نشان دهند و رعایای خود را به قبول این گرایش ملزم کنند، اما این اقدامات نیز نتوانست مانع بروز اختلافات شود. در منابع تاریخی این عهد رفته رفته بدگویی نسبت به حکومت آل کیا آشکار می‌شود.

به دنبال تنش و اختلاف دو خاندان صفوی و کیایی که هر دو ادعای انتساب به امامان شیعه را داشتند، سرانجام، خان احمدخان (حک ۹۷۵-۱۰۰۰ق) در سال ۹۷۵ق دستگیر و زندانی می‌شود (روملو، ۱۳۸۴: ۳ / ۱۴۵۹؛ تنوی، ۱۳۸۲: ۸ / ۵۸۳۸). خان احمدخان تلاش زیادی کرد تا از وقوع جنگ جلوگیری کند، اما اقدام او بی‌فایده بود (روملو، ۱۳۸۴: ۳ / ۱۴۵۴). سرما و برف سنگین در گیلان سبب شد خان احمدخان در کوهستان‌های اشکور به اسارت درآید و

اندوخته سال‌های دراز گیلانیان بی‌هیچ مشقتی به دست قزلباشان افتد... و چون خان احمد را از

۱. برخی از مورخان مدت این اسارت را دوازده سال (فومنی، ۱۳۵۳: ۶۷-۱۳۲) و برخی ده سال نوشته‌اند (بدلیسی، ۱۳۷۷، ۲۳۸). عده‌ای از مورخان زمان آزادی او را در عهد شاه سلطان محمد (افوشته‌ای نظری، ۱۳۷۳: ۶۸-۶۹؛ ملا جلال‌الدین منجم، ۱۳۶۶: ۴۱-۴۲؛ فومنی، ۱۳۵۳: ۶۴؛ غفاری، ۱۳۴۳: ۸۴) و برخی دیگر در زمان شاه اسماعیل دوم می‌دانند (جنابادی، ۱۳۷۸: ۵۷۴).

است که شاه طهماسب پس از دستگیری خان احمدخان دستور داد که

... تمامی سلاطین و امرا و ارکان و اشراف و اعیان اردو به اتفاق ملازمان و مخصوصان و مقربان به استقبال خان احمدخان سوار شوند ... فرمودند که سازنده‌ها از هر قسم که در اردو حاضر بودند سازها به نوازش درآوردند... (فومنی، ۱۳۴۹: ۴۷-۴۶) و این مطلب برخلاف گزارش تتوی است.

تتوی ضمن نگاهی جانبدارانه به حکومت صفوی، در اثر خود به حقیقت ظریفی اشاره می‌کند. مردم بعد از دستگیری خان احمدخان نه به میل باطن، بلکه به دلیل ترس از سرپیچی از دستورات شاه طهماسب به استقبال از این حاکم کیایی رفته‌اند (تتوی، ۱۳۸۲: ۸ / ۵۸۳۸). این جمله بیانگر احترام و علاقه مردم به شخص خان احمدخان است که شاید مؤلف نتوانسته است این نکته را صریح بیان کند. در برخی از منابع در مورد این رویداد چنین آمده است:

نواب اعلی به فکر گیلان و خان احمد افتاد که اکنون بیست سال است که من در قزوینم، چرا نیامده اند و پیشکش نداده‌اند؟ رسولان رفتند که اگر بیاید و اطاعت کند فهوالمطلوب و اگر نیاید لشکر می‌فرستم. ایشان قبول نکردند، مقرر شد که معصوم‌بیگ با لشکر گران برود (بوداق منشی قزوینی، ۱۳۷۸: ۲۲۶).

در مورد این موضوع مؤلف تاریخ الفی به صراحت بیان می‌کند که در سال ۹۷۳ق خان احمدخان هر چند پیشکش‌هایی را برای دربار صفوی فرستاد و شاه طهماسب به ظاهر هدایای او را قبول کرد، اما «...همچنان در مقام تسخیر آن ملک بود...» و برای این منظور سعی کرد زمین‌داران گیلان را با خود متحد کند، ولی این حمله بنا به مشکلاتی به

علاقه‌مندی مؤلفان آن به حوادث سیاسی گیلان بسیار جلب نظر می‌کند. این اثر نه تنها حوادث ایران، بلکه تحولات سیاسی و اجتماعی هند، ماوراءالنهر و عثمانی را نیز از سال ۸۵۰ق (عصر تیموری) لحاظ کرده و اگرچه از بسیاری از تحولات گیلان در زمان آل کیا وقایع جالبی را ذکر می‌کند، اما چنانچه اشاره شد، گزارش وی از اوضاع سیاسی گیلان در زمان مورد بحث قابل تأمل است.

شاید بتوان گفت افرادی که تتوی در نوشته‌های خود از آنان تحت عنوان «مطربان»، «مغنیان»، «بازیگران» و «مسخره‌ها» یاد می‌کند، از استادان موسیقی و صنعتگرانی بودند که به دعوت خان احمدخان برای آموزش موسیقی و فنون مختلف به آن دیار آمده بودند چرا که، از طرفی مؤلف شیعی تاریخ ایلچی در توصیف شرایط فرهنگی قلمرو آل کیا در زمان خان احمدخان می‌نویسد:

... از وفور همت و یمین معدلتش چندان فضلا و شعرای راز و خوانندگان و نوازندگان خوش‌آواز نغمه‌پرداز در ظل رأفت و سایه عاطفتش جمع آمده‌اند که هریک از ایشان نوادر روزگار و یگانه عصرند. سیما استاد زیتون کمانچه‌نواز که در فن خود عدیل و نظیر ندارد... (نظام‌شاه دکنی، ۱۳۷۹: ۲۲۰).

علاقه خان احمدخان به استاد زیتون به اندازه‌ای بود که سپهسالاری منطقه توکم را به استاد زیتون سپرد (نوزاد، ۱۳۷۳: ۱۵۶) و در هنگام دستگیری‌اش به دست شاه طهماسب، در نزد استاد به آموزش موسیقی مشغول بود (قمی، ۱۳۶۳: ۴۷۴؛ بدلیسی، ۱۳۷۷: ۲۳۸). استاد زیتون پس از دستگیری خان احمدخان، در قلعه الموت محبوس شد و در همان‌جا وفات یافت. نکته دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد این

(پناهی، ۱۳۹۰: ۱۶۰). وی تلاش داشت در نگارش اثر خود امانت‌داری را رعایت کند و خود را مشمول لعنت خداوند می‌داند اگر واقعه‌ای را به قلم نیاورده باشد یا به جهت خوشامد نوشته باشد (بوداق قزوینی، ۱۳۷۸: ۴۱-۴۲). اگرچه در برخی موارد نیز این قول خود را نادیده می‌گیرد.

بعد از اسارت خان احمدخان قلمرو او در لاهیجان، گوکه^۱ و کیسّم به تصرف درآمد و کشتار وسیعی از مردم شرق گیلان به وسیله حکومت صفوی صورت گرفت و حکومت گیلان به بخش‌های مختلفی تقسیم شد و هر بخش به یک فرد وابسته به حکومت داده شد (روملو، ۱۳۸۴: ۳/۱۴۵۵).

۴. رویکرد منابع تاریخی درباره علل حمله شاه عباس به گیلان

دوره سوم رابطه آل کیا با صفویه به سال‌های اولیه حکومت شاه عباس باز می‌گردد. روابط این دو حکومت در این دوره دچار تنش فراوانی شد تا سرانجام در سال ۱۰۰۰ق، با حمله شاه عباس اول به گیلان و فرار خان احمدخان، حکومت آل کیا به پایان رسید. در بررسی این دوره با اسناد و منابعی متناقض مواجه هستیم که لازم است به برخی از نکات توجه داشت: ۱. میزان وابستگی منابع به حکومت صفویه؛ ۲. ملزم بودن به حقیقت‌گویی؛ ۳. میزان دسترسی آنها به اسناد و مدارک تاریخی. بدون در نظر گرفتن این نکات، بررسی حوادث این سال‌ها یکسویه و جانبدارانه به نظر می‌رسد.

شاه عباس مدّعی بود که گیلان ملک آباء و

سال بعد واگذار شد (توی، ۱۳۸۲: ۸/۵۸۰۸). همین نکته نشان می‌دهد که حکومت صفویه از زمان طهماسب در صدد تصرف خاک گیلان بود. در تأیید این مطلب باید گفت که شاه طهماسب حکومت نواحی شرق گیلان را بعد از مرگ پدر خان احمد، به خان احمدخان یکساله سپرده بود اما به دلیل کوچکی وی، این حکومت به بهرام‌میرزا، برادر طهماسب، واگذار شد (بدلیسی، ۱۳۷۷: ۱۸۹).

زمانی که متون تاریخی صفویه همچون *شرفنامه* به فرار بهرام‌میرزا از گیلان می‌پردازد (همان: ۱۸۹) و یا *تاریخ عالم‌آرای عباسی* در این مورد تنها به این جمله اکتفا می‌کند که

... بهرام میرزا به حسن ارباب تغلب عمل نموده کیاخورکیا را گرفت بنابر آن گیلانیان از او رمیدند، او از ولایت گیلان بیرون آمده ... (اسکندریگ ترکمان، ۱۳۷۷: ۱۱۰).

چرا که مؤلف اشاره می‌کند که هدف او پرداختن بیشتر به ایام حکومت شاه عباس است و مسائل جزئی‌تر را باید در کتاب *احسن التواریخ* یافت (همان: ۱۸۸) و متونی چون *تقاوة الاثاری* ذکرالانحیار افوشته‌ای و *تاریخ گیلان* عبدالفتاح فومنی حتی اشاره‌ای به این فرار ندارند، بوداق منشی قزوینی به صراحت این اقدام را نتیجه شورش مردم گیلان و عدم پذیرش حکومت بهرام‌میرزا می‌داند. این اثر در دوران پرتنش حکومت صفویه و در فاصله حکومت شاه طهماسب و شاه اسماعیل دوم نوشته شد. انگیزه وی در نگارش تاریخ جانبداری از حکومت صفوی نبود، چرا که اثر ماندگار خود را زمانی نوشت که از خدمت دولتی برکنار بود. کتاب او هرچند به شاه اسماعیل دوم تقدیم شد، اما شاید بتوان پذیرفت که بیکاری مؤلف در این زمان و تلاش در جهت یافتن موقعیتی جدید به مانند گذشته علت این کار بود

۱. گوکه نام روستایی در لاهیجان بود. این روستا در غرب لاهیجان و ساحل سفید رود قرار داشت (رابینو، ۱۳۷۴: ۳۵۹).

هنگام بازگشت، شاه عباس تصمیم گرفت مدتی را در دیلمان که در گیلان بود سپری کند و در سه روز اقامت خود در آن نواحی «...از خان احمد آثار مردی و مروت و آداب مهمانی و فتوت به ظهور نرسید» (همان: ۶۷۵).

مؤلف بی‌اعتنایی خان احمد را دلیلی بر کدورت شاه عباس از وی می‌شمرد. شاه عباس در این زمان برعکس خان احمدخان که ایام کهولت خود را می‌گذراند، بسیار جوان بود و صرف‌نظر از این مطلب، خان احمدخان وظیفه حضور و خدمت به شاه مطلق ایران را داشت. اما سؤالی که در اینجا ذهن را به خود مشغول می‌کند این است که آیا این مسئله به تنهایی برای حمله شاه عباس به گیلان و برچیده شدن حکومتی دو‌یست ساله کفایت می‌کند؟ موضوع از وقتی قابل تأمل‌تر می‌شود که شاه عباس، بعد از فرار خان احمدخان، در جواب نامه سلطان مراد سوم، پادشاه عثمانی، که در خواست بازگشت خان احمد را مطرح کرده بود و در عوض آن به شاه پیشنهاد کرده بود که هر ولایتی از آذربایجان که در تصرف عثمانی است به همراه ولایات شروان به ایران مسترد شود (همان: ۶۷۸) پاسخ داده بود که

...خان احمد را که از جمله منسوبان و منصوبان این سلسله کریمه است... به اینجانب فرستد تا نواب همایون ما هر بلاد و دیار که مناسب شأن و اعتبار او داند او را به حکومت آن موضع نصب نماید... (همان: ۶۷۹).

به نظر می‌رسد افوخته‌ای با بیان اینکه سرکشی خان احمدخان، شاه عباس را وادار به لشکرکشی به گیلان کرد، تلاش دارد تمام گناه این حمله را به گردن خان احمدخان اندازد.

برخی دیگر از نویسندگان تلاش دارند تا ارتباط خان احمدخان با عثمانی را دلیل حمله شاه عباس

اجدادی اوست که حالا باید در اختیار وی قرار گیرد (افوخته‌ای نظری، ۱۳۷۳: ۶۶۴). افوخته‌ای که در زمره منابع سلسله‌ای است و به ایام پادشاهی شاه طهماسب اول تا سال یازدهم حکومت شاه عباس در ۱۰۰۷ق مربوط است اشاره نمی‌کند که چرا شاه عباس در بین املاک آباء و اجدادی خود شهر لاهیجان را که تولیدکننده اصلی ابریشم در روزگار خود بود، در اولویت این انتخاب قرار داده است.

وی تلاش داشته تا مطالب تاریخی را تا جای ممکن مستند ارائه کند و از آنجا که برخی حوادث در زمان او اتفاق افتاده، از اسناد و منابع دولتی در نگارش اثر خود بهره می‌برد. وی گزارش‌های زیادی از گیلان در زمان صفویه ارائه می‌دهد. به دستگیری و تبعید خان احمدخان در زمان شاه طهماسب و جنگ‌های وی و حمله شاه عباس به گیلان اشاره می‌کند و با توجه به علل مخالفت خان احمدخان با شاه عباس به مطالب قابل توجهی اشاره می‌کند. برای نمونه در ابتدای به سلطنت نشستن شاه عباس می‌نویسد:

خان احمد همان قاعده قدیم و سلوک طریق مستقیمه را مراعات نموده، لوای یک‌جهتی و یکرنگی به اوج فلک‌الافلاک برافراشت. در این مدت امری که مخالف آداب مصادقت بوده باشد، پیرامن ضمیر او نگشت و شمه‌ای از آثار خلاف و عناد و مقدمه‌ای از مقولات فتنه و فساد، از توابع و لواحق او نیز به ظهور نیامد... (همان: ۶۷۵).

این مؤلف سرسپردگی و اطاعت خان احمد به شاه مقتدر صفوی را تا زمانی می‌داند که شاه عباس به سوی اردبیل رفت و بزرگان و امرا، به رسم احترام، به خدمت او رسیدند و پیشکش‌هایی را «به‌قدر مقدور و نحو میسور» به شاه اهداء کردند. در

هیچ منبع دیگری تأیید نشده است. علاوه بر این، نامه‌ای از خان احمدخان به دست آمده است که بیانگر حمایت وی از بازرگانان و تجار و وصول طلب ایشان از مردم، همراه با رعایت عدالت است (نوزاد، ۱۳۷۳: ۴۲).

۶. رویکرد منابع تاریخ محلی درباره خان

احمدخان

رویدادهای تاریخی در دو حیطه زمانی و مکانی رخ می‌دهند. در برابر تاریخ‌نگاران درباری، تاریخ‌نگاران محلی قرار داشتند که با انگیزه‌های مختلفی به نگارش تاریخ خود می‌پرداختند. صرف‌نظر از تعلق این دسته از مورخان به حوزه جغرافیایی خود، در این دسته از نوشته‌ها می‌توان اختلافات سیاسی و عقیدتی را مشاهده کرد. در بین تاریخ‌های محلی می‌توان به تاریخ گیلان و دیلمستان سید ظهیرالدین مرعشی اشاره کرد که حوادث گیلان را تا سال ۸۹۴ق ادامه می‌دهد، لذا در حیطه موضوعی و زمانی پژوهش حاضر قرار نمی‌گیرد. (مرعشی، ۱۳۶۴) کتاب دیگر کتاب تاریخ خانی، تألیف علی بن شمس‌الدین حاجی حسین لاهیجی است. (لاهیجی، ۱۳۵۲) این کتاب به دستور خان احمداول (حک ۹۴۳-۹۱۱)، پدر خان احمدخان، نوشته شده است. مؤلف نگارش کتاب خود را در ۹۲۱ق شروع و در ۹۲۲ق به اتمام رساند. در اصل این کتاب را باید ادامه تاریخ گیلان و دیلمستان مرعشی دانست. این کتاب نیز با وجود نکات قابل توجه، اطلاعاتی مناسب در موضوع مورد نظر ندارد. اما کتاب تاریخ گیلان، تألیف عبدالفتاح فومنی، قابل تأمل است. این کتاب حوادث سیاسی گیلان را در بین سال‌های ۹۲۳ تا ۱۰۳۸ق نوشته است. شاه عباس فرمان حسابرسی عملکرد مالی بهزادبیگ در

به گیلان بدانند (جنابدی، ۱۳۷۸: ۷۲۱-۷۲۲). این دلیل اگرچه به دلیل اختلافات سیاسی و مذهبی در روابط دو کشور قانع‌کننده است، اما با توجه به نامه‌نگاری‌های مؤدبانه دو کشور، در خصوص حل این موضوع، کافی نیست. روضه الصفویه، نوشته میرزاییگ حسن بن حسینی جنابدی، نیز در زمره تواریخ سلسله‌ای محسوب می‌شود. وی که مورخ رسمی شاه عباس اول بود، حوادث تاریخی صفویه را از ۹۰۷ق تا ۱۰۳۶ق، چهلمین سال سلطنت وی، نوشته است. زمان شروع نگارش کتاب سال ۱۰۲۳ق است و مؤلف ضمن بیان رویدادهای ایران، به تاریخ عثمانی، ازبکان و گورکانیان هند نیز پرداخته است. از آنجا که اثر او، تصویری از چهل سال حکومت شاه عباس را در اختیار علاقه‌مندان تاریخ قرار می‌دهد اثر قابل توجهی است و بسیار طبیعی است که در موضوع اختلاف بین خان احمد و شاه عباس، جانب حکومت مرکزی را مراعات نموده است. بسیاری از حوادث و رویدادهایی که در کتب معاصر شاه اسماعیل و شاه طهماسب نیامده، در این کتاب ذکر شده است.

برخی مورخین نیز، علاوه بر بیان ارتباط و نامه‌نگاری‌های خان احمد با عثمانی، به علل دیگری که باعث رنجش و حمله شاه عباس به گیلان گردیده است، اشاره می‌کنند (رازی، ۱۳۴۰: ۳ ۱۴۱-۱۴۲). در نوع تاریخ‌نگاری این دسته از مورخین، نگاهی یکسویه و جانبدارانه به حکومت صفوی را می‌توان دریافت. تا آنجا که در ریشه‌یابی این اختلاف سیاسی و حمله نظامی بیان می‌کنند که خان احمد «...رعیت را به علت مصادره و تجار را به شیوه مطالبه رنجانیده و ولع تمام در جمع کردن مال به هم رسانیده تا لاجرم فراز دولتش بی‌نشیب نکبت مبدل گردید» (همان: ۱۴۰). نکته‌ای که در مورد خان احمد در این منبع آمده در

دیلمستان دانست که مؤلفان هر دو آثار ضمن تعلق به آل کیا به شرف گیلان تعلق داشتند.

در کتاب عبدالفتاح فومنی ارتباط حکومت صفویه با آل کیا قابل بررسی است. وی از اقدامات خان احمدخان نسبت به طهماسب به عنوان یک شورش یاد می‌کند. شورشی عقیدتی و فکری که برخلاف میل و علاقه طهماسب، خان احمدخان از استاد زیتون (=استاد موسیقی و از نوازندگان طنبور) به گیلان دعوت می‌کند و زمانی مورد سرزنش بیشتر طهماسب قرار می‌گیرد که برای این مهمان ناخوانده سالی چهارصد تومان به عنوان دستمزد در نظر می‌گیرد. لذا از منظر مؤلف طبیعی است که «خاطر شاه طهماسب منحرف گشت فرمان به اخذ و قتل و عزل هواداران خان احمدخان صادر گشته...» (فومنی، ۱۳۵۳: ۵۰-۵۱).

مؤلف برخلاف تتوی اشاره می‌کند که تمامی سلاطین و امراء و ارکان و اشراف و اعیان اردو به اتفاق ملازمان و مخصوصان و مقربان به استقبال خان احمدخان سوار شدند... (همان: همان‌جا).

بعد از دستگیری و سپری شدن مدت اسارت خان احمدخان، وی به ملک آباء و اجدادی خود بازگشت. عبدالفتاح حوادث را تا سقوط این خان کیایی در اثر خود پی‌گیری می‌کند. وی به وضوح به ماجرای خواستگاری شاه عباس از دختر خردسال خان احمد برای فرزندش سخن می‌گوید و بی‌اعتنایی خان احمد به فرستادگان شاه را یادآوری می‌کند (همان: ۱۰۶). در سال ۹۹۷ ق خواجه مسیح، وزیر خان احمد، که در پی بروز برخی دخل و تصرفات مالی از وزارت عزل شده بود، به خدمت شاه عباس رفت و وی را «به تسخیر و تصرف گیلانات ترغیب و تحریض نموده پیوسته عرض می‌نمود که

گیلان را به نام او صادر کرد (فومنی، ۱۳۵۳: ۱۹۴)؛ اگرچه در کتاب وی گزارشی از این عملکرد به دست نمی‌آید. مؤلف با نشر ساده خود در نگارش، وقایع گیلان را براساس روایات شفاهی، اسناد سیاسی و مالی و مشهودات خود ثبت می‌کند. ذکر این نکته قابل توجه است که وی به لحاظ جغرافیایی به منطقه‌ای تعلق داشته که به لحاظ سیاسی از رقبا و دشمنان اصلی حکومت آل کیا محسوب می‌شد و بیشترین تلاش وی صرف بیان حوادث غرب گیلان و حاکمان اسحاقوندی شده است. در سراسر اثر او ستایش و تمجید نسبت به حکومت قدرتمند صفویه مشهود است. فومنی در عین طرفداری از شاه عباس در نوشته‌های خود، به‌ویژه در حمله به گیلان به شورش‌هایی که پس از فرار خان احمدخان در گیلان اتفاق افتاده اشاره می‌کند. شورش‌هایی چون طالشه کولی، شورش اهالی لشت نشا، ... تفاوتی که بین علت این شورش‌ها در نوشته‌های فومنی و برخی دیگر از منابع وجود دارد این است که فومنی علت بروز هیچ‌یک از این شورش‌ها را حمایت از خان احمدخان نمی‌داند، برخلاف دیدگاه وی، افوشته‌ای نظری علت این شورش‌ها را عملکرد نادرست و ظالمانه مأموران مالی شاه عباس و همچنین حسادت و رقبای امرای پیشین نسبت به یکدیگر و حمایت از خان احمدخان می‌داند (افوشته‌ای نظری، ۱۳۷۳: ۴۷۷).

روح کلی مطالب وی در این کتاب تاختن به مخالفان صفویه است و آن جماعت را جمعی اوباش معرفی می‌کند و با توجه به تعلقش به غرب گیلان به طرفداری کامل از حکومت اسحاقوندان می‌پردازد. از لحاظ وابستگی‌های محلی کار وی را می‌توان نقطه مقابل کتاب تاریخ خانگی و کتاب تاریخ گیلان و

گیلان‌ات مملکت عظیم است...» (همان: ۱۰۵).

فومنی تلاش دارد تسخیر گیلان را ناشی از دو امر تلقی کند، اول بی‌احترامی خان احمدخان به شاه عباس و دوم تحریک وزیر سابق خان احمدخان. او به‌طور محسوسی مطامع سیاسی و اقتصادی شاه عباس را در تسخیر گیلان نادیده می‌گیرد. او معتقد است که فرار خان احمد به عثمانی موجب رنجش بسیار شاه عباس شد و آن را «مایه بی‌غیرتی و بی‌حرمتی» دانست و گفت: «اگر فرار نمی‌کردید کمال مروّت درباره شما به عمل می‌آوردم» (همان: ۱۷۳).

از نوشته‌های فومنی در مورد حوادث این دوران به خصوصیات فردی و استبداد رأی شاه عباس می‌توان پی برد. اگرچه وی هیچ اشاره صریحی به این ویژگی ندارد. رفتاری که شاه عباس با کرم‌آسوار گیلانی^۱ در گزارش عبدالفتاح آمده، مبین همین نکته است (همان: ۱۴۱).

با مطالعه در آثار تاریخ‌نگاران این عصر می‌توان به دلایل دیگری اشاره کرد که از موضوع پژوهش حاضر خارج است. تنها باید به این نکته اذعان نمود که در تاریخ‌نگاری عهد صفویه درباره شخصیت خان احمدخان چند نکته جلب نظر می‌کند. تمامی

۱. در سال ۱۰۰۱ق شورش طالشه کولی در گیلان اتفاق افتاد. کرم‌آسوار گیلانی از جمله کسانی بود که هم‌زمان با این شورش مخالفت خود را با حضور قزلباشان در گیلان اعلام و به مخالفت برخاست. مخالفان پس از کشتن کیافریدون، سپهسالار سابق خان احمدخان، که در زمان شاه عباس از گیلان متواری شدند. کرم‌آسوار سال‌ها در لباس قلندری به همراه برادرش در خارج از گیلان به‌سر می‌برد تا آنکه در سال ۱۰۲۱ق وی که پس از فوت برادر به گیلان آمده بود، دستگیر و به فرمان شاه عباس «...در میدان لاهیجان پوست کنده و پوست او را به کاه پر کرده در ولایت بیه‌پیش و بیه‌پس بگرداندند...» (فومنی، ۱۳۵۳: ۱۹۵). در منابعی چون تاریخ عالم‌آرای عباسی و نقاوة‌الآثار در مورد این شخصیت مطلبی نیامده و پرداختن به علت این امر از موضوع پژوهش حاضر خارج است.

منابعی که به این شخصیت پرداخته‌اند، در گرایش شیعی آن اختلاف نظری با یکدیگر ندارند. اختلاف منابع با یکدیگر در مورد مدت اسارت خان احمدخان در زندان طهماسب و زمان آزاد شدن وی است که به آن اشاره شد. اختلاف جدی منابع با یکدیگر به‌ویژه در خصوص انگیزه شاه عباس در حمله به گیلان است. در منابع دیدگاه‌های مختلفی در این مورد دیده می‌شود. آنچه در این نوشته‌ها مفقود مانده مطامع شخصی شاه عباس است.^۲

مورخان در نگارش آثار خود با حکومت قدرتمند صفوی روبه‌رو بودند. ضمن اینکه در نگاه بعضی از نویسندگان دوره مذکور چون فومنی که به لحاظ جغرافیایی در حوزه‌ای زندگی می‌کرد که از مخالفان سرسخت آل کیا بودند و تعلق خاطری به حوزه شرق سفید رود نداشتند، جانبداری از حکومت صفویه با این نگاه نیز آمیخته می‌گردد. اینکه در منابع علت واحدی برای حمله شاه عباس به گیلان ذکر نمی‌شود و منابع تلاش دارند که هر کدام دلیل خاصی را برای این اقدام بیان کنند، باعث شده که خان احمد در نگاه برخی از آنان فرد خطاکاری جلوه کند. شخصیتی که این دسته از منابع از وی ارائه می‌دهند باعث شده که اهداف سیاسی و اقتصادی حکومت صفویه در اختلاف با وی مورد توجه قرار نگیرد. نباید از خاطر برد که شاه عباس در برخورد با خان احمدخان چند نکته را مورد لحاظ قرار داده بود. ابتدا ادعای وی و انتساب به امامان شیعه (ع)، دیگر انتساب او به خاندان صفویه، حکومت مستقل وی در گیلان، نزدیکی قلمرو او به

۲. برای آگاهی بیشتر از علل و انگیزه‌های شاه عباس در حمله به گیلان و فرار خان احمدخان از گیلان رک: کنارودی - نعیمی، ۱۳۹۲.

(هدایت، ۱۳۸۰: ۱۲ / ۶۶۵۱) بلکه حتی به عثمانی پیشنهاد کرد که از لاهیجان به عنوان پایگاهی علیه حکومت صفوی استفاده کند و از سلطان عثمانی خواستار قشون‌کشی آن کشور از شروان به لاهیجان شد (اسکندریبگ منشی ترکمان، ۱۳۷۷: ۴۴۹؛ رابینو، ۱۳۶۹: ۲۹).

با تمام این توضیحات نباید شک کرد که خان احمدخان با استناد به فرامین و نامه‌هایی که از خود برجای گذاشت، سعی داشت با از بین بردن برخی مالیات‌های ظالمانه در گیلان که از قدیم وجود داشت، حمایت از دانشمندان، دعوت صنعتگران و هنرمندان به گیلان و ... منطقه گیلان را به لحاظ فرهنگی، سیاسی و اقتصادی پربار کند و به همین دلیل دوره حکومت وی در گیلان دورانی با آرامش گزارش شده است (نظام‌شاه دکنی، ۱۳۷۹: ۲۲۰). لاهیجان در دوره حکومت او به اندازه‌ای رشد کرد که بسیاری از پزشکان نامی، دربار شاه طهماسب را به قصد دربار کیایی ترک کردند و نزد خان احمدخان به لاهیجان آمدند. از جمله این افراد حکیم کمال‌الدین حسین شیرازی بود که از اطباء معروف شاه طهماسب به‌شمار می‌رفت (واله اصفهانی، ۱۳۷۲: ۴۵۲-۴۵۳). از دیگر پزشکان نامی که در دربار خان احمد به اوج شهرت خود رسید، یحیی جان بود (آذر بیگدلی، ۱۳۳۸: ۸۴۰). در زمینه فرهنگی نیز خان احمد تلاش کرده بود تا قلمرویی پربار به لحاظ فرهنگی به‌وجود آورد. عبدالجبار استرآبادی که از نقاشان معروف قزوین بود، به نزد خان احمدخان آمد و با دستگیری خان احمد، مجدد به قزوین بازگشت و پس از آزادی او و مرگ طهماسب به نزد خان

عثمانی، احتمال خطر از ارتباط قدرت خان احمدخان با روسیه و عثمانی و ارزش اقتصادی گیلان، به‌ویژه لاهیجان که از مراکز مهم تولید ابریشم در ایران بود. زمانی که خان احمدخان متوجه عزم شاه عباس در حمله به لاهیجان شد، از آنجا که شاه هم‌زمان به دلیل سرکوب حمله عبدالمؤمن خان اوزبک، عازم خراسان بود، به شاه پیغام داد که حاضر است «...مبلغ سه هزار تومان به جهت مدد لشکر و موازی سه هزار پیاده و سوار جرار همه تفنگچی و کماندار به ملازمت آمده...» (افوشته‌ای نطنزی، ۱۳۷۳: ۴۰۰). به نظر می‌رسد قدرت مالی و نظامی خان احمدخان، شاه عباس را نگران کرد و خطر ادامه حکومت آل کیا در گیلان را دریافت.

البته نباید از یاد برد که براساس نامه‌های به دست آمده از خان احمدخان، امروز به نکاتی می‌توان دست یافت که شاید از دید مؤلف آن دوران پنهان بوده است. مخالفت خان احمدخان با عهدنامه صلح استانبول اول (۹۹۸ق) در دومین سال حکومت شاه عباس از این‌گونه موارد است. پس از عقد این قرارداد خان احمد در مخالفت با صلح عثمانی و شرایط این صلح‌نامه، نامه‌ای به شاه عباس نوشت و به‌خصوص به فرستادن حیدر میرزا به عنوان گروگان به دربار عثمانی اعتراض کرد (نوائی، ۱۳۷۰: ۱۶-۱۷). همچنین روابط خان احمد با دولت روسیه نیز به‌طور یقین موجب تیرگی روابط شاه عباس با وی بود. در ۹۹۷ق که شاه عباس بوداق‌بیگ و هادی‌بیگ را به سفارت به روسیه فرستاد. در همان زمان نیز خان احمدخان چند نفر را به سفارت و با سرپرستی خواجه حسام روانه روسیه کرد (نوائی، ۱۳۷۷: ۲۱۰). همچنین در جنگ‌های ایران و عثمانی، خان احمدخان نه تنها حمایتی از دولت صفویه نکرد

احمدخان بازگشت (واله اصفهانی، ۱۳۷۲: ۴۶۹-۴۷۰). شهاب الخطاطین، لقب نورالدین محمد لاهیجی بود که نزد خان احمدخان زندگی می‌کرد (احمد رازی، ۱۳۴۰: ۳/ ۱۴۶). مولانا جلال‌الدین محمد یزدی که استاد نجوم و ستاره‌شناسی بود، سال‌ها در دربار خان احمدخان زیست و پس از دستگیری خان احمدخان در زمان شاه عباس، به درخواست شاه منجم مخصوص او شد. وی همان کسی بود که در سال ۹۹۹ق مأموریت یافته بود، از دختر پنج ساله خان احمدخان برای فرزند شاه عباس، خواستگاری کند (ملا جلال، ۱۳۶۶: ۲۱۷؛ نوزاد، ۱۳۷۳: ۲۶۹).

۷. نتیجه

در تاریخ‌نگاری عصر صفویه، اعتقادات شیعی آشکار است. هرچه از زمان تأسیس حکومت صفوی می‌گذشت، این ویژگی عینی‌تر و محسوس‌تر بود. تاریخ‌نگاران عهد صفوی، به‌ویژه هم‌زمان با حکومت شاه عباس اول، صرف نظر از ویژگی مذکور، در آثار خود با موضوع مهم دیگری در تاریخ‌نگاری مواجه بودند. حکومت مقتدر صفوی، مورخ این عهد را مجبور می‌کرد که به‌طور طبیعی از آنان جانبداری و در نوشته‌های خود، ضمن تأکید بر انتساب آنان به امامان شیعه (ع)، نوشته‌های پیشینیان در مورد آنان را تأیید کند. از سوی دیگر با حکومتی محلی روبه‌رو بود که آنان نیز شیعی بودند و ادعای انتساب به امام سجاد (ع) داشتند و در این انتساب نیز هیچ شک و شبهه‌ای وجود نداشت. تمام تلاش تاریخ‌نگار این عصر این است که در بیان حمله شاه عباس دلیلی موجه بیابد تا با حمایت از اقدام شاه عباس، عمل وی را توجیه کند. در خصوص ارتباط خان احمدخان با عثمانی و روسیه نمی‌توان شک کرد؛ اما این روابط به دلیل جغرافیای خاص گیلان امری

طبیعی به نظر می‌رسید و چنانچه در منابع آمده، قبل از شاه عباس نیز روابط تجاری و اقتصادی بین آل کیا و قدرت‌های خارج از گیلان وجود داشته است. لذا قبل از اینکه روابط سیاسی مورد نظر باشد، روابط تجاری بین دو حوزه ایجاد شده بود. از طرفی نباید فراموش کرد که گیلان در طول تاریخ مأمّن و پناهگاه بسیاری از مخالفان حکومت بود. خان احمدخان با سیاست و فراست دریافته بود که اگر مورد تهدید قرار گیرد، هیچ نقطه‌ای از ایران به اندازه گیلان امنیت ندارد و چنانچه گیلان مورد تهدید واقع شود چاره‌ای نیست تا در بیرون مرزهای ایران برای خود متحدی بیابد؛ لذا شاید از قبل با ارتباط با عثمانی راهی در آن‌سوی مرزهای ایران برای نجات خود تدارک می‌دید.

در سایه همین سیاست و مدارا بود که آل کیا همیشه تلاش داشتند تا بهانه‌ای به حکومت صفویه جهت حمله و تصرف گیلان ندهند. شاید بتوان ادعا کرد که تغییر گرایش دینی آل کیا از زیدیه به امامیه نیز در اجرای همین سیاست بوده است.

در نقد و بررسی منابع تاریخ‌نگاری این عصر، درباره شخصیت خان احمدخان چند نکته قابل مشاهده است. منابع تاریخی صفویه، اعم از شیعه و سنی، در مورد گرایش مذهبی خان احمدخان اختلاف نظری با یکدیگر ندارند. تمام منابعی که به موضوع خان احمدخان پرداخته‌اند، در مورد دستگیری و زندانی شدن وی در زمان طهماسب و فرار او از گیلان در زمان شاه عباس اختلاف نظری با یکدیگر ندارند. اختلاف منابع در این خصوص بر سر مدت اسارت و همچنین زمان آزادی وی است. اما منابع تاریخی صفویه در مورد علت اساسی اختلاف شاه عباس و خان احمدخان نقطه‌نظرهای متفاوتی با یکدیگر دارند. این اختلاف نشان می‌دهد

که مورخ یا به دلیل قلمرو جغرافیایی یا به دلیل در نظر گرفتن برخی مصالح سیاسی قادر به بیان واقعیت نشده و با بیان علل مختلف، تلاش دارد انگیزه اصلی حکومت صفویه را از سقوط آل کیا پنهان کنند. در برخی از نوشته‌ها تضاد آشکاری در مورد خان احمدخان، آخرین حاکم کیایی گیلان، دیده می‌شود. به بیانی دیگر، مؤلف ضمن معرفی خان احمدخان به عنوان یک شخصیت محترم، همچنان در صدد توجیه اختلاف شاه عباس برآمده است و در ضمن جانبداری از حکومت صفویه، خان احمد را در این اختلاف مقصر کامل معرفی کرده‌اند و این شخصیت در نوشته‌های آنان، به عنوان شخصیتی متمدن، شورشی و یا حتی خائن به حکومت صفوی معرفی شده است. نکته مهم دیگر که نباید از نظر دور داشت، قضاوت میان دو حکومت شیعی که هر دوی آنان ادعای سیادت و انتساب به امامان شیعه (ع) را دارند، کار مورخان این دوره را با دشواری مواجه ساخته است.

منابع

آذر بیگدلی (۱۳۳۸). *آتشکده آذر*. به کوشش حسن سادات ناصری. تهران: امیرکبیر.

آرام، محمدباقر (۱۳۸۶). *اندیشه تاریخ‌نگاری عصر صفوی*. تهران: امیرکبیر.

اسکندریگ منشی ترکمان (۱۳۷۷). *تاریخ عالم‌آرای عباسی*. تصحیح محمداسماعیل رضوانی. تهران: دنیای کتاب.

افوشته‌ای نظری، محمود ابن هدایت‌الله (۱۳۷۳). *تفاوت ال‌آثار فی ذکر‌الآخیر*. به اهتمام احسان اشراقی. تهران: علمی و فرهنگی.

اللهیاری، حسن (۱۳۹۶). «تحلیل تاریخی حذف حکومت سادات کیایی توسط صفویان». فصلنامه *تاریخ اسلام*

در آینه پژوهش. ش ۴۲. ص ۲۲-۵.

بدلیسی، شرف‌خان بن شمس‌الدین (۱۳۷۷). *شرفنامه (تاریخ مفصل کردستان)*. به اهتمام ولادیمیر زرنوف. تهران: اساطیر.

بوداق منشی قزوینی (۱۳۷۸). *جواهر الاخبار*. تصحیح و تعلیقات محسن بهرام‌نژاد. تهران: میراث مکتوب.

پناهی، عباس (۱۳۹۱). «تاریخ‌نگاری محلی حوزه جنوبی دریای خزر». کتاب *ماه تاریخ و جغرافیا*. ش ۱۶۷. ص ۲۳-۲۷.

پناهی، عباس (۱۳۹۰). *کتابشناسی توصیفی، تحلیلی گیلان در عصر صفوی*. ایلیا.

پناهی، عباس (۱۳۹۳). *کارکرد اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کیانیان در گیلان با نگرشی بر روابط آنها با حکومت‌های محلی و صفویه*. رشت: دانشگاه گیلان.

تتوی، قاضی احمد؛ قزوینی، آصف‌خان (۱۳۸۲). *تاریخ الفی*. تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد. تهران: علمی و فرهنگی.

ثواقب، جهانبخش (۱۳۸۰). *تاریخ‌نگاری عصر صفویه و شناخت منابع و مآخذ*. شیراز: نوید شیراز.

جنابدی، میرزابیگ (۱۳۷۸). *روضه‌الصفویه*. به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد. تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار یزدی.

خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین الحسینی (۱۳۵۳). *حبيب‌السير فی اخبار افراد بشر*. زیر نظر محمود دبیرسیاقی. تهران: خیام.

رابینو، ه. ل (۱۳۷۴). *ولایات دارالمرز ایران، گیلان*. ترجمه جعفر خمami زاده. رشت: طاعتی.

رابینو، ه. ل (۱۳۶۹). *فرمانروایان گیلان*. ترجمه م. پ. جکتاجی و رضا مدنی. رشت: گیلکان.

رازنهان، محمدحسن؛ نعیمی، سهیلا (۱۳۹۴). «پیامدهای سیاست شاه عباس در براندازی حکومت شیعی آل کیا در گیلان». فصلنامه *شیعه‌شناسی*. ش ۵۰. ص ۲۲۱-۲۴۴.

رازی، امین احمد (۱۳۴۰). *هفت اقلیم*. تصحیح و تعلیق

- جواد فاضل. تهران: انتشارات کتب ایران.
- روملو، حسن بیگ (۱۳۸۴). *احسن التواریخ*. تصحیح عبدالحسین نوایی. تهران: اساطیر.
- شایسته، فریدون (۱۳۸۰). «اخبار گیلان در کتاب تاریخ عباسی یا روزنامه ملا جلال». *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*. ش ۴۶ و ۴۷. ص ۴۵-۴۷.
- شایسته، فریدون (۱۳۹۰). «گیلان در منابع عصر صفوی». *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*. ش ۱۶۰. ص ۱۲۷-۱۲۸.
- شورمیچ، محمد (۱۳۹۰). «روش و بینش تاریخ‌نگاری اسکندریگ منشی در *عالم‌آرای عباسی* با تکیه بر وقایع گیلان». *فصلنامه تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری*. ش ۱۴. ص ۷۹-۱۰۰.
- عادل، پرویز (۱۳۸۶). «سیاست آل‌کیا در برابر آق‌قویونلوها، درآمدی بر تشکیل دولت صفوی». *رشد آموزش تاریخ*. ش ۲۹. ص ۲۸-۳۱.
- غفاری قزوینی، قاضی احمد (۱۳۴۳). *تاریخ جهان‌آرا*. به اهتمام مجتبی مینوی. تهران: حافظ.
- فومنی، عبدالفتاح (۱۳۵۳). *تاریخ گیلان*. تصحیح عطاءالله تدین. تهران: فروغی.
- فومنی، عبدالفتاح (۱۳۴۹). *تاریخ گیلان*. تصحیح منوچهر ستوده. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- قمی، قاضی احمد ابن شرف‌الدین الحسین الحسینی (۱۳۶۳). *خلاصه التواریخ*. تصحیح احساناشراقی. تهران: دانشگاه تهران.
- کنارودی، قربانعلی؛ نعیمی، سهیلا (۱۳۹۲). *حکومت سادات آل‌کیا در گیلان*. نوین پویا.
- کنارودی، قربانعلی؛ نعیمی، سهیلا (۱۳۹۰). «علل تداوم حکومت سادات آل‌کیا در گیلان». *فصلنامه شیعه‌شناسی*. ش ۳۴. ۱۴۷-۱۷۸.
- کوئین، شعله آلیسیا (۱۳۸۷). *تاریخ‌نویسی در روزگار فرمانروایی شاه عباس صفوی*. ترجمه منصور صفت‌گل. تهران: دانشگاه تهران.
- لاهیجی، علی بن شمس‌الدین بن حاجی حسن (۱۳۵۲). *تاریخ خانی*. تصحیح منوچهر ستوده. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- مرعشی، سید ظهیرالدین (۱۳۶۴). *تاریخ گیلان و دیلمستان*. تصحیح منوچهر ستوده. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- معمد لنگرودی، فاطمه؛ بایرام، مائده (۱۳۹۵). «منبع‌شناسی پژوهش تاریخ آل‌کیا در گیلان». *نقد کتاب تاریخ*. ش ۹ و ۱۰. ص ۲۱۹-۲۳۶.
- منجم، ملا جلال‌الدین (۱۳۶۶). *تاریخ عباسی (روزنامه ملا جلال)* به کوشش سیف‌اله وحیدنیا. تهران: وحید.
- منزوی، علینقی (۱۳۶۹). «خانان کارکیا در گیلان». *گیلان نامه (مجموعه مقالات گیلان‌شناسی)*. رشت.
- میرجعفری، حسین؛ عاشوری، عباس (۱۳۹۰). *تاریخ‌نگاری و تحولات آن در ایران و جهان*. تهران: دانشگاه پیام نور.
- نعیمی، سهیلا (۱۳۸۹). «آل‌کیا و علل سقوط آن در گیلان». *فصلنامه تاریخ اسلام و ایران*. ش ۷. ص ۱۱۳-۱۳۴.
- نوایی، عبدالحسین (۱۳۷۰). *مجموعه اسناد و مکاتبات تاریخی*. تهران: بنیاد فرهنگ.
- نوایی، عبدالحسین (۱۳۷۷). *ایران و جهان از مغول تا قاجاریه*. تهران: نشر هما.
- نوزاد، فریدون (۱۳۷۳). *نامه‌های خان احمد خان گیلانی*. تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار یزدی.
- واعظ شهرستانی، نفیسه (۱۳۸۲). «نقد و ارزیابی تاریخ‌نگاری اسکندر بیگ منشی در *عالم‌آرای عباسی*». *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*. ش ۶۸ و ۶۹. ص ۹۲-۱۰۵.
- واله اصفهانی، محمدیوسف (۱۳۷۲). *خلدبرین*. به کوشش میرهاشم محدث. تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار یزدی.
- هدایت، رضاقلی‌خان (۱۳۸۰). *روضه‌الصفای ناصری*. تصحیح جمشید کیان‌فر. تهران: اساطیر.